

مادرشاه افشار
میدان جنگ می تواند میدان دوستی نیز باشد؛
اگر نیروهای دو طرف میدان به حقوق خویش بسنده کنند.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۳۷: شنبه ۱۸ جدی ۱۳۹۵: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۸: ۷ جنوری ۲۰۱۷



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



f in t You Tube www.azizibank.af 1515

دولتی که دولت نشد، دلیل نابسامانی‌های امروز است



برگرفته از فیسبوک احمدولی مسعود

این همه به هم‌اندازی‌های قومی، تنش‌آفرینی، بحران‌زایی، پرخاش‌گری و باندبازی‌های درون‌دولتی، زاینده نظام نامتعادل، غیرمسئول، نامشروع و نتیجه‌آجندهای شخصی مسوولانی است که تلاش دارند، به هر وسیله ممکن که شده، بر مسند قدرت باقی بمانند تا چه پیش آید!

شکی نیست که بیشترین فصل سیاسی ۱۵۵ سال اخیر در کشور ما با چنین زدوبندها، رنگ‌آمیزی‌های قومی و وابسته‌گی‌های بیرونی، ضایع گردید تا کار مملکت به این‌جاها کشانیده شد. اما امروز مقوله معروف «وقتی ترازیدی عمیق می‌گردد، به کمیدی مبدل می‌شود» حال زار دولت‌مردان ما را به روشنی بیان می‌کند. تداوم این روند با فریب‌کاری، فرصت‌طلبی، فراقگنی، جعل‌کاری و تحقه‌بازی‌های رهبری دولت، میان مردم به فکاهه روز مبدل گردیده است.

علی‌رغم این وامانده‌گی‌های رهبری دولت، اصرار بر ماندن و این‌که بدیلی نیست، شاید برای بیرونی‌ها یک توجیه داشته باشد، اما برای مردم افغانستان قطعاً نسل پُرانرژی و جوان، چهره‌های جدید وطن‌دوست و داعیه‌دار بدیل روشن است.

ماندیلای می‌گوید: "برای وطن‌دوستی، ضرورت نیست که آسمان را زمین را به هم بریزید، فقط خود را نفروشید".

معترضان در کابل:

از عدم توزیع عادلانه برق و فساد برشنا به ستوه آمده‌ایم



صفحه ۶

قانون اساسی افغانستان مطابق به زمان نیست

صفحه ۲

دو صدایی حکومت درباره قانون اساسی



صفحه ۳



کری:

لاهم افغانستان ډېر چپلنځونه سره مخ دی

صفحه ۶

افغانستان، کشور

بی قانونی که قانون اساسی دارد



قانون اساسی کشور برای آن ها نمی توان سراغ کرد. نخستین مساله بنیادی در رابطه به قانون اساسی این است که همه و به ویژه دولت مردان کشور خود را ملزم به رعایت آن بدانند. برگزاری محافل و مجالس بزرگ داشت از قانون اساسی در حالی که نص آن مورد بی مهری قرار می گیرد، هیچ فایده ندارد. قانون اساسی زمانی به وثیقه ملی تبدیل می شود که شهروندان کشور خود را در سایه آن امن، خوشبخت و شاد احساس کنند. آیا چنین اعتمادی را قانون اساسی کشور در میان شهروندان افغانستان ایجاد کرده است؟ بدون شک پاسخ به آن منفی است. چرا؟ چون قانون اساسی سندی برای توجیه عملکرد دولت مردان بوده است. چون قانون اساسی از حقوق و امتیازهای شهروندان پاسداری نکرده است. و اما نکته دوم در مورد قانون اساسی فعلی کشور این است که این قانون نیاز جدی و همه جانبه به بازنگری و تعدیل در برخی بخش ها دارد، تا به روزتر و کارآ تر شود. بحث تغییر نظام از مسایل محوری و اصلی است که به عنوان یک ضرورت تاخیر ناپذیر در برابر ما قرار دارد. تجربه سال های اخیر ثابت کرده که نظام ریاستی فعلی دیگر کارآیی برای اداره افغانستان با ثبات و متکثر را ندارد. در آینه این نظام همه خود را نمی یابند و قانون اساسی باید پاسخ گوی چنین نیازی باشد. موارد دیگری نیز در قانون اساسی کشور وجود دارند که یا با شرایط موجود همخوانی ندارند و یا ابهام آمیز اند. برای تعدیل و اصلاح این موارد نیز باید اقدام های اساسی صورت گیرند. ضرورت فراخوان نشست بزرگ برای اصلاح و تعدیل قانون اساسی کشور به عنوان یک ضرورت در دستور کار قرار دارد و دولت وحدت ملی وظیفه دارد که به این مساله توجه نشان دهد. باید قانون اساسی را دوباره احیا و وارد حیات سیاسی و اجتماعی کشور کرد و این چیز است که افغانستان را از بحران فعلی نجات می بخشد.

می کند. این منتقدان می گویند سواي این ماده از قانون اساسی دیگر ماده های آن هرازگاهی از سوی دولت مردان کشور نادیده گرفته شده است. قانون اساسی واقعا چیست و چرا دولت ها مجبور به رعایت آن اند؟ قانون اساسی به عنوان قانون مادر در یک کشور، مجموعه راهکارها و اصول است که باید ها و نبایدهای یک نظام را تعیین می کند. در پرتو قانون اساسی است که دولت ها و شهروندان حقوق و وجایب خود را می شناسند و برای وصول آن ها فعالیت می کنند. البته برخی کشورها قانون اساسی بدون ندارند. در این کشورها باید ها و نبایدهای نظام از درون یک رشته ارزش ها و با تدوین قانون های جانبی مشخص شده است. بریتانیا که یکی از پیش گامان لیبرالیزم و دموکراسی در سطح جهان است، هیچ گونه قانون اساسی بدون ندارد. در این کشور ارزش های که باعث شکل گیری کشوری به نام بریتانیا شده، به عنوان ارزش های پایه یی نظام شناخته می شوند. همین ارزش ها یک سلسله قوانین موضوعی را به وجود می آورند که در پرتو آن ها شهروندان بریتانیا حقوق و وجایب خود را مشخص می کنند. در هر کشوری قانون وقتی ارزش دارد که همه خود را به اجرای آن ملزم بدانند. موجودیت قانون اساسی وقتی عملا از سوی دولت مردان و زورمندان و نقض می شود، چه فایده به حال مردم و کشور می تواند داشته باشد؟ در پانزده سال گذشته در افغانستان به چیزی که کمترین اهمیت به آن داده شده، قانون اساسی است. دولت مردان کشور هروقت ضرورت داشته اند، به یاد قانون اساسی افتاده اند و هرگاه اقدام های شان در تضاد با روح قانون اساسی بوده، به ساده گی آن را فراموش کرده اند. چه در زمان حاکمیت حامد کرزی رییس جمهوری پیشین و چه در زمان فعلی بارها شاهد نقض قانون اساسی از سوی دولت بوده ایم. موارد زیادی همین حالا در افغانستان وجود دارند که هیچ توجیهی از سوی

همه ساله در چهارده ماه جدی دولت افغانستان از روز تصویب قانون اساسی کشور گرامی داشت می کند. مقام های ارشد کشور در این روز از تعهد خود به قانون، قانون گرایی و از اهمیت قانون اساسی در کشور می گویند. آن ها افغانستان را به دو دوره متمایز تاریخی بخش می کنند: دوره بدون قانون اساسی و دوره قانون اساسی. به باور دولت مردان کشور در چهار دهه اخیر افغانستان سال های را سپری کرده است که در آن ها از قانون اساسی خبری نبوده و به همین دلیل روزهای دشواری داشته است. روزهای بی قانونی و حاکمیت های تمامیت خواه: چه راست افراطی و چه هم چپ افراطی. به اعتقاد دولت مردان و بسیاری از تحلیل گران سال های بی قانونی، سال های تضعیف حقوق شهروندی بوده است، سال های که به تعبیر هابز انسان، گرگ انسان می شود. اما از بیشتر از یک دهه افغانستان قانون اساسی دارد. قانونی که در فرایند یک نشست بزرگ به تصویب رسید و افغانستان را وارد مرحله تازه ای از حیات سیاسی آن کرد. در این سال ها افغانستان هر چند روزهای دشوار کمی نداشته ولی در پرتو یک نظام قانونمند و قانون اساسی توانسته راه های دشوار گذر زیادی را پشت سر بگذارد. اما سوال این جاست که قانون اساسی افغانستان چقدر توانسته روی زنده گی شهروندان کشور اثر بگذارد و واقعا دولت مردان چقدر خود را متعهد به اجرایی کردن قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور دانسته اند؟ برخی منتقدان می گویند در طی سال هایی که از تصویب قانون اساسی جدید در افغانستان می گذرد، قانون شکنی های زیادی صورت پذیرفته و بارها قانون اساسی از سوی خود دولت مردان کشور نقض شده است. به گفته این منتقدان در بدینانه ترین شکل آن تنها ماده یی که در این سال ها از قانون اساسی کشور نقض نشده، ماده مربوط به تعیین پایتخت کشور است که کابل را به عنوان پایتخت معرفی

سخن ماندگار

قانون اساسی افغانستان مطابق به زمان نیست

افغانستان در جریان هفته قانون اساسی قرار دارد و این هفته از تاریخ ۱۴ جدی کلید زده شده است. دولت وحدت ملی که خود فراتر از قانون اساسی شکل یافته است، برای پاسداری از آن در آغاز هفته سخن گفت. اما این قانون در سیزده سال گذشته با مشکل عدم تطبیق مواجه بوده است. قانون اساسی که در سال ۱۳۸۲ در کشور شکل گرفت کشور را دارای قانونی ساخت که به باور برخی ها در سطح منطقه بی نظیر می باشد؛ اما به باور برخی های دیگر مشکلاتی فراوانی را به همراه دارد. این قانون که به هدف داشتن یک سند دولت داری و شهروند منشی، مطابق با هوای جدید و نیازمندی های سیاسی اجتماعی کشور باید ساخته می شد، سرانجام برابر به قد و اندام حاکم وقت ساخته شد و بیشتر سلیقه یی به تصویب رسید و حتی پس از تصویب، در نسخه توشیح شده نزدیک به پنجاه مورد، دست برد در آن صورت گرفت. همین اکنون دو نسخه متفاوت، از قانون اساسی داریم که یکی نسخه توشیح شده و دیگری نسخه تصویب لویه جرگه قانون اساسی است که با هم در موارد مهمی متفاوت اند. بنابراین، نحوه نظام سیاسی ریاستی که قدرت و صلاحیت را در دست یک نفر به نام رییس جمهوری، متمرکز کرده است، از اصلی ترین مشکلات است؛ چون قانون اساسی، برای رییس جمهور، صلاحیت های یک پادشاه مطلقه را داده است و همین خود به تنهایی بخش اصلی مشکلات کشور در نحوه اداره و مدیریت و کارآزمایی است که به استبداد رای منجر شده است. نقص دیگر قانون اساسی کنونی، پاماندن روی هویت های دیگر شهروندان کشور است و تعمیم یک هویت بر دیگران، بدون شک خلاف میل جامعه زنده، پویا و آگاه می باشد. این مساله خود در بعد از قانون اساسی، مشکلات فراوانی را به بار آورده و نفاق قومی را در بلندترین حد ممکن بالا برده است. اما قانون اساسی کشور ما چه ناقص و چه هم کامل چه هم خوب و چه بد، اصلا عملی نشده است. نه رییس جمهوری و نه هم دیگر نهادها و افراد بالا به تطبیق آن همت گماشته اند. هر جا که قانون به نفع کسی نبود، از آن سرده است.

اکنون با گذشت هر روز، قانون اساسی کشور مورد توجه قرار گرفته خلاها، نواقص و تناقضات آن آشکار شده و در صورتی که اراده یی برای اصلاح آن وجود داشته باشد، به خوبی و به شکل علمی به رفع آن اقدام شده می تواند تا به یک سند معتبر مطابق به زمان دست یافت؛ زیرا قانون اساسی ما، در شرایط خاص تدوین و توشیح شد و به همین دلیل مشکلات خاص خودش را دارد؛ اما حالا که تا اینجا آمده ایم و افغانستان دست کم وارد نیازمندی ها و مطالبات جدید در سطح داخلی است و نیز وارد فاز جدید از روابط ملی و بین المللی خود در سطح جهان گردیده است، باید آن تهداب گذاری های بسیار مصلحتی و شتاب زده و غیر ملی در قانون اساسی را اصلاح و بازبینی کنیم؛ تجربه یی که در همه کشورهای جهان طی شده است. این را بدانیم که با قانون اساسی موجود، به یک انتخابات سالم و قدرت مشروع به گونه درست دست نمی یابیم چنانکه این تجربه را در دولت پس از قانون اساسی تجربه کرده ایم. زیرا منبع بسیاری از مشکلات همان بی دقتی ها، شتاب زده گی، به اندام خود بریدن ها و نیز انحصار طلبی در قانون اساسی است که در وجود همین نسخه ما به یک دولت قابل توجه و پاسخ گو نمی رسیم. زیرا بر بنیاد قانون اساسی، نهادهای کشور به شکل سمبولیک حضور دارند و معنای اصلی و تاثیر گذار را هنوز به خود نگرفته اند. بنابراین، تغییر نظام به صدرتی پارلمانی و نیز احترام به هویت همه شهروندان در قانون اساسی، تقویت احزاب به جای افراد در سیاست و دولت داری و نیز واضح ساختن موارد متناقض و مبهم در این سند، از نیازهایی است که باید در اصلاح قانون به آن رسیده گی شود و باید چنین عزمی به وجود آید.

دو صدایی

حکومت درباره قانون اساسی

کشایش نخستین انستیتوت تخصصی صلح، رسانه و حکومت داری خوب در افغانستان



این نخستین انستیتوت تخصصی است که در بخش های صلح، رسانه و حکومت داری خوب در کشور فعالیت خواهد کرد. سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری روز پنجشنبه هنگام گشایش این انستیتوت می گوید، رسانه ها مهمترین حامی صلح و حکومت در کشوراند. او می گوید، حکومت افغانستان باید متعهد به آزادی بیان در کشور باشد و در کنار آن رسانه ها نباید موضوعاتی را نشر کنند که خلاف منافع ملی و به سود دشمنان کشور باشد. احمد کمیل میرشادبیک، رییس انستیتوت تخصصی صلح، رسانه و حکومت داری خوب می گوید، رسانه ها می توانند به عنوان میانجی و پل میان مردم و حکومت و همچنان در راستای تأمین صلح در کشور تلاش کنند. او تأکید می کند که نباید آزادی رسانه ها محدود شود. مسوولان انستیتوت تخصصی صلح، رسانه و حکومت داری خوب می گویند که رسانه ها می توانند در چنین شرایط از حامیان مهم حکومت باشند.

کشته شدن ۱۳ معدنچی در بغلان



افراد مسلح ناشناس ۱۳ معدنچی که بیشتر آن ها شیعه هستند را در مسیر بغلان به بامیان به قتل رساندند. افراد مسلح ناشناس ساعتی قبل ۱۳ معدنچی را که از مسیر ولایت بغلان به بامیان به قتل رساندند. این معدنچیان در مناطقی از ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به قتل رسیده اند. گفته می شود که بیشتر افراد کشته شده شیعه بوده اند. جزئیاتی بیشتری از این حادثه منتشر نشده است. پیش از این نیز در مسیر بامیان بارها تعدادی از مسافران کشته و یا ربوده شده بودند.

تصحیح

در شماره ۱۹۳۶ از قول وزارت تجارت و صنایع نوشته شده است ۲,۵ میلیون دالر عواید از درک صادرات به خزانه دولت واریز شده است؛ اما این آمار تنها از درک صدور جوازهای تازه به خزانه دولت واریز شده است.

استقلالیت کامل محاکمه خواهند شد. رییس دادگاه عالی با اشاره به اصلاحاتی که در دو سال گذشته در این نهاد به میان آمده، گفت: برای جلوگیری از فساد و ارتقای ظرفیت قضات، برنامه های ویژه را ترتیب و تطبیق کرده ایم. عبدالروف ابراهیمی، رییس مجلس نمایندگان گفت که ما در گذشته ها از اثر قانون شکنی و نبود قانون، شاهد تجارب تلخ بودیم. ما از آزادی محروم بوده و به شکل قانون جنگل تحت شرایط سخت زندگی کردیم. آقای ابراهیمی افزود: از برکت مبارزات مردم و حمایت جامعه جهانی توانستیم صاحب نظام و قانون اساسی شویم و این خلا پُر شود. رییس مجلس نمایندگان، داشتن قانون را بزرگترین سرمایه دانست و تأکید کرد که این قانون زمانی اهمیت و ارزش بیشتر پیدا می کند که عملی گردد، متخلفین و دشمنان قانون از تطبیق آن در هراس باشند. آقای ابراهیمی افزود: ارگان های عدلی و قضایی جدا از فشارهای سیاسی فیصله های شان را عملی سازند و در صورتی که کدام قانون عملی نشود، به یک نسخه با ارزش می ماند که در تاقچه گذاشته شده باشد و کسی به آن ارزش قایل نشود. فضل هادی مسلم یار، رییس مجلس سنا گفت: قانون اساسی مادر سایر قوانین است، بنا هرکس در مقابل مادر خویش مسوولیت شرعی و قانونی دارد. آقای مسلم یار از همه خواست تا به قانون احترام بگذارند و برای تطبیق آن تعهد خویش را تجدید کنند. رییس مجلس سنا تصریح کرد: ابتدا باید سران حکومت و مأمورین دولتی قانون اساسی را رعایت کنند، به گفته او اگر ما قانون را پای مال کنیم، دیگران توقع رعایت آن را نداشته باشیم. آقای مسلم یار با اشاره به عدم موجودیت قانون در گذشته در افغانستان، تصریح کرد که رعایت و حاکمیت قانون، کار دشوار است، اما اگر همه برای تطبیق این وثیقه ملی آستین برزنند، مشکلات موجود حل خواهد شد. محمداقاسم هاشمزی، رییس کمیسیون نظارت از تطبیق قانونی اساسی در سخنان در مورد صلاحیت های نظارت کمیسیون متذکره گفت، این کمیسیون، از قوای سه گانه اجرایی، مقننه و قضایی جدا و مستقل می باشد که صلاحیت های آن در فصل جداگانه قانون اساسی تذکر یافته است. آقای هاشمزی به ارزش های قانون اساسی اشاره کرده گفت که همه مکلف بر رعایت آن می باشیم. او افزود: قانون اساسی مادر قوانین و مرجع بزرگ حقوقی است که طبق آن، قوه مقننه چنین قوانین را وضع کرده نمی تواند که برخلاف ارزش های قانون اساسی باشند، قوه اجرایی و قضایی هیچ نوع عملی را اجرا کرده نمی تواند که به احکام قانون اساسی در تضاد باشد. رییس کمیسیون نظارت از تطبیق قانونی اساسی گفت: ارزش های مهم قانون اساسی عزت و احترام به کرامت انسانی، مساوات، جلوگیری از تبعیض به اساس نژاد و جنس به شمار می رود. قانون اساسی به این معنا که تمام کارکردهای مردم به اساس حکام این سند باشد.

آقای هاشمزی به ارزش های قانون اساسی اشاره کرده گفت که همه مکلف بر رعایت آن می باشیم. او افزود: قانون اساسی مادر قوانین و مرجع بزرگ حقوقی است که طبق آن، قوه مقننه چنین قوانین را وضع کرده نمی تواند که برخلاف ارزش های قانون اساسی باشند، قوه اجرایی و قضایی هیچ نوع عملی را اجرا کرده نمی تواند که به احکام قانون اساسی در تضاد باشد. رییس کمیسیون نظارت از تطبیق قانونی اساسی گفت: ارزش های مهم قانون اساسی عزت و احترام به کرامت انسانی، مساوات، جلوگیری از تبعیض به اساس نژاد و جنس به شمار می رود. قانون اساسی به این معنا که تمام کارکردهای مردم به اساس حکام این سند باشد. آقای هاشمزی تأکید کرد که نظمی را که قانون اساسی برای دولت داری مهیا کرده است، همه مکلف اند تا از آن اطاعت و به آن احترام کنند. به گفته او، اگر چنین نشود، ما راه را برای هرج و مرج هموار می سازیم، به بقای خود و مردم صدمه می رسانیم و نظام اجتماعی را خراب می کنیم. افغانستان تا اکنون نزدیک به ۱۰ قانون اساسی داشته است، اما از این میان، قانون هایی که در جرگه های بزرگ تصویب شدند، شناخته شده تر هستند. نخستین قانون اساسی کشور با نام «نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان» در دوره شاه امان الله و به روز ۱۰ حوت ۱۳۰۱ هجری خورشیدی، در لویه جرگه مشرقی، با حضور ۸۷۲ نماینده تصویب شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان عالی ترین سند حقوقی در دولت افغانستان است. این قانون دارای ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده می باشد. کار بررسی و تصویب این قانون در لویه جرگه قانون اساسی در ۲۲ قوس ۱۳۸۲ آغاز شد و در ۱۴ جدی به تصویب رسید. در این قانون به دموکراسی، حقوق فردی و انتخابات به خوبی توجه شده است. این قانون در یک جلد و دارای ۲۸۶ صفحه می باشد.

دکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی که در این مراسم سخن می زد، تصویب قانون اساسی را در سیزده سال گذشته یک واقعه تاریخی دانست و گفت: شهروندان افغانستان پس از مدت طولانی ناخشنودی و خودسری که وجود داشت، صاحب یک وثیقه ملی شدند و به یک نتیجه ملی رسیدند.

رییس اجرایی با اشاره بر تعهدات قانون اساسی کشور گفت، قانون اساسی برای شرایط تعدیل راه را باز گذاشته است. به باور او، توافق نامه حکومت وحدت ملی یک قدم تاریخی در کشور بود. او تصریح کرد: همیشه باید یک پروسه انتقال صلاحیت به اشخاص دیگر وجود داشته باشد. مثلاً شهردارها انتخابی نشدند و تفویض صلاحیت صورت نگرفت و در مورد بودجه ولایات ما موفق نبودیم. رییس اجرایی افزود: حکومت وحدت ملی بر بنیاد ضرورت و در یک شرایط خاص تشکیل شد. به باور رییس اجرایی، غیر از یک ماده، دیگر تمام ماده های قانون اساسی افغانستان نظر به شرایط و وضعیت اجتماعی کشور و با توجه به قانون، قابل تعدیل است. آقای عبدالله گفت: تشکیل کمیسیون برای تعدیل قانون اساسی موافقه شده؛ اما تاکنون اجرایی نشده است، هنوز هم باور دارم که نظام پارلمانی بهتر نیازمندی های مردم را رفع کرده می تواند. او تصریح کرد، بحث در مورد قانون اساسی در مجامع حرام نیست، در قانون اساسی تنها ماده ای که

از سیزدهمین سالروز تصویب قانون اساسی افغانستان روز پنجشنبه (۱۶ جدی) در ارگ ریاست جمهوری گرامی داشت شد. مسوولان حکومت وحدت ملی در این برنامه گفتند، تأمین حاکمیت قانون، نهادینه کردن فرهنگ قانون گرایی و تدوین قوانین معیاری در مطابقت با قانون اساسی و ارزش های اسلامی، از اهداف اساسی حکومت وحدت ملی می باشد. به گفته آنان، بر بنیاد قانون اساسی افغانستان، نظام کشور اسلامی و حکومت بر پایه مردم سالاری و آرای شهروندان استوار بوده و هیچ کس نمی تواند با زور شمشیر و تفنگ قدرت را بهدست بیاورد. مسوولان حکومت در این مراسم، یکبار دیگر از گروه های مسلحی که در مقابل افغانستان می جنگند، خواستند تا به گفت و گوهای صلح بپیوندند. محمداشرف غنی، رییس جمهور حکومت وحدت ملی در مراسم گرامی داشت از سیزدهمین سالروز تصویب قانون اساسی کشور گفت: ما بیشتر از سی سال در بحران قانونی قرار داشتیم، اصول و قواعد ثابت نداشتیم و هر حکومت در یک مسیر جداگانه حرکت می کرد، اما به برکت قانون اساسی، قدرت به اقتدار مبدل گردید، یعنی دیگر آن سلسله ختم گردید که حکومت به زور شمشیر ایجاد و از بین می رفت. رییس جمهور گفت که حالا باید یک حکومت به حکومت دیگر جای خود را مطابق به قانون اساسی و رأی و رضایت مردم تعویض کند. آقای غنی خاطر نشان کرد: «حکومت به استقلالیت



قابل تعدیل نیست، حاکمیت دین مبین اسلام و نظام جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. آقای عبدالله خاطر نشان کرد: تعدیل قانون شرایط خاص را می طلبد که تاکنون این شرایط برای مان مهیا نگردیده است. رییس اجرایی حکومت وحدت ملی تأکید دارد که دروازه گفت و گوهای صلح به پوری همه کسانی که خواهان صلح هستند، باز است، اما پیش از آن باید قانون اساسی افغانستان را قبول کنند. او تصریح کرد: امروز با تمام تجربه های تلخ گذشته، از صلح بازهم صدای صلح را بلند می کنیم. آنانی که می جنگند و دست به کشتار زدند، آنانی که فرصت ها را از مردم افغانستان گرفتند، می خواهیم که بیاند صحبت و مذاکره کنیم، تصمیم ما در این مورد یکی است.

قوه قضایی و مقننه احترام می گذارد و این نکته را با افتخار ابراز می دارم که دادستانی کل و دادگاه عالی افغانستان نسبت به هر زمان دیگر، فیصله های شان را به گونه مستقلانه انجام می دهند و شورای ملی افغانستان با استقلال تمام امور خود را به پیش می برد. رییس جمهور با توجه به ارزش های اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان بیان کرد: قانون اساسی ما ضمن تأکید بر حقوق بشر، دولت را مکلف می داند که این حقوق را تأمین کند. پس، گفته می توانیم که قانون اساسی ما در زمینه حقوق بشری از اعلامیه حقوق بشر قوی تر می باشد. آقای غنی به منظور تطبیق کامل ارزش های قانون اساسی، بر تدوین قوانین تکمیل کننده و متمم در بخش های مختلف تأکید کرده گفت، تنها در سال ۱۳۹۴ مراحل تدقیق ۹۱ سند و طرح های تقنینی تکمیل شده است. آقای غنی در ادامه سخنانش گفت: من برای مردم اطمینان می دهم که برای تطبیق قانون اساسی اراده قوی دارم. آقای غنی افزود: البته برای تطبیق قانون اساسی در حوزه های سیاست و اداره، یک تغییر فرهنگی نیاز است، باید آن عادات خاتمه یابد که در این جامعه قانون وجود نداشت و تفنگ و خودسری حکومت می کرد.

در این حال، سید یوسف حلیم، رییس دادگاه عالی افغانستان نیز در سخنانی گفت: در ماده ۱۱۶ قانون اساسی قوه قضایی به رسمیت شناخته شده است، در دو سال گذشته ما نشانی از مداخله را در قوه قضایی ندیده ایم، اگر از سوی برخی ها مداخله هم صورت گرفته باشد، به گونه جدی جلوی آن گرفته شده است. آقای حلیم اطمینان داد که بدون کدام دخالت، قانون شکنان، مجرمین و متخلفین بر بنیاد قانون با

احمدذکی خاورنیا

عبدالرحمن ابن خلدون سیاست‌مدار، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، تاریخ‌نگار و فیلسوف مسلمان در سال‌های ۷۳۲-۸۰۸ هـ می‌زیست و این سال‌ها را می‌توان پایان درخشندگی تمدن اسلامی نام‌گذاری کرد. وی در چنین زمانی، کتابی به نام «مقدمه» نوشت و این کتاب عصاره تفکرات و تأملات طولانی وی در زمینه فلسفه تاریخ و سیاست است، که با نوشتن آن، علم جامعه‌شناسی را پایه‌گذاری کرد. ابن خلدون پیشتر از همه‌گان به تحلیل طبیعت بشری و سببیت تاریخ پرداخت و اسباب قیام و فروپاشی دولت‌ها را مورد بحث قرار داد. یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان معاصر به نام «ارنولد تونینی» درباره کتاب «مقدمه» می‌گوید: «صاحب این کتاب، فلسفه تاریخ را تصور و طراحی کرد که بدون تردید بزرگ‌ترین کار از نوع خود است که عقل بشری به آن دست یافته و در پیشنهاد کردن نظریه‌های جامعه‌شناسانه و پژوهش‌های تاریخی، فراتر از عصر خویش حرکت کرده است.»

طبیعت خشم و نام و ننگ و اقتضای نیروی بشری در این‌باره پیش‌گیری می‌کند و سرانجام، کار به کشمکش و زدوخورد و جنگ منجر می‌گردد و جنگ باعث هرج و مرج و خون‌ریزی و نابودی نفوس بی‌شمار می‌شود و فرجام کار، به انقراض نسل بشر منتهی می‌گردد؛ درحالی‌که بقای نسل از چیزهایی است که خداوند سبحان به محافظت اختصاص داده است. پس بقای نوع بشر، در حالت هرج و مرج و بی‌سروسامانی و نداشتن حاکمی که مانع تجاوز آنان به یکدیگر باشد، محال و امکان‌ناپذیر است. و بدین سبب بشر به رادع یا حاکمی که مانع دست‌درازی یکی به دیگری باشد، نیازمند است. این خلدون با چنین تحلیلی، وجود دولت و نهادهای آن را از ضرورت‌های جامعه بشری می‌داند؛ زیرا بشریت از وظایفی که دولت برای جامعه انجام می‌دهد، بی‌نیاز نیست که پیشاپیش آن وظایف، همانا تأمین امنیت و عدالت و عمران است. و برای این‌که دولت بر اساس استوار و محکمی بنا نهاده شود و وظایف محوله خود را به وجه احسن انجام دهد، نیاز دارد که بر



قیام و فروپاشی دولت‌ها از منظر ابن خلدون

نگرش ابن خلدون به تاریخ بشریت به گونه‌یی است که آن را همواره در حال انتقال و گذر از وضعیت بدوی‌گری به مدنی‌گری می‌نگرد و چنین روندی همیشه به وسیله نهادی به نام دولت، مدیریت می‌شود. از منظر وی، نهاد دولت برای این پدید آمد که نیازمندی‌های انسان را برآورده ساخته و او را نسبت به زنده‌گی مطمئن ساخته و در حفظ نوع بشر و عمارت زمین او را یاری رساند. ابن خلدون می‌نویسد: «ممکن نیست بشر به زنده‌گانی و موجودیت خود ادامه دهد جز در پرتو اجتماع و تعاون برای به‌دست آوردن روزی و دیگر ضروریات خویش. و هرگاه اجتماعات برای انسان حاصل آید، ضرورت اقتضا می‌کند که با یکدیگر روابط گوناگون برقرار سازند و نیازمندی‌های خویش را برآورند و هم برحسب آن‌که در طبیعت حیوانی انسان، ستمگری و تجاوز به یکدیگر سرشته است، ناگزیر هر یک به دیگری دست‌درازی می‌کند تا حاجات خود را به زور از وی بستاند و دیگری بر مقتضای

اساس عصبیتی که پشت و پناه آن باشد، تأسیس گردد. و عصبیت شخص، باورهای اوست که وی را تقویت می‌کند، و چنین عصبیتی از قوم و اقارب بیشتر متصور است تا دیگران، گرچه منحصر به اقارب نیست؛ برای این‌که «واضح است که پیوند و روابط با هم‌دیگر در طبیعت بشر نهادینه شده است، اگرچه همه‌شان از یک اصل و نسب نباشند.» در چنین حالتی، وظیفه عصبیت این است که دولت را قادر می‌سازد که اراده خود را بر شهروندان نافذ سازد؛ برای این‌که ریاست متصور نیست جز بر غلبه، و غلبه بر دیگران امکان‌پذیر نیست جز به عصبیت؛ «از این‌رو ناچار باید ریاست بر یک قوم از عصبیتی برخیزد که بر یکایک عصبیت‌های دیگر همان قوم مسلط باشد، زیرا همین که دیگر عصبیت‌های آن خاندان قدرت و غلبه عصبیت خاندان آن رییس را احساس کند، سر فرود می‌آورند و ریاست او را اذعان می‌کنند و پیروی از وی را بر خود لازم می‌شمرند.» کاملاً هویدا است که ابن خلدون با این تحلیل، اشاره به مفهوم اکثریت یا نیروی

بخش نخست

درآمدی بر فلسفه سیاسی ابن خلدون

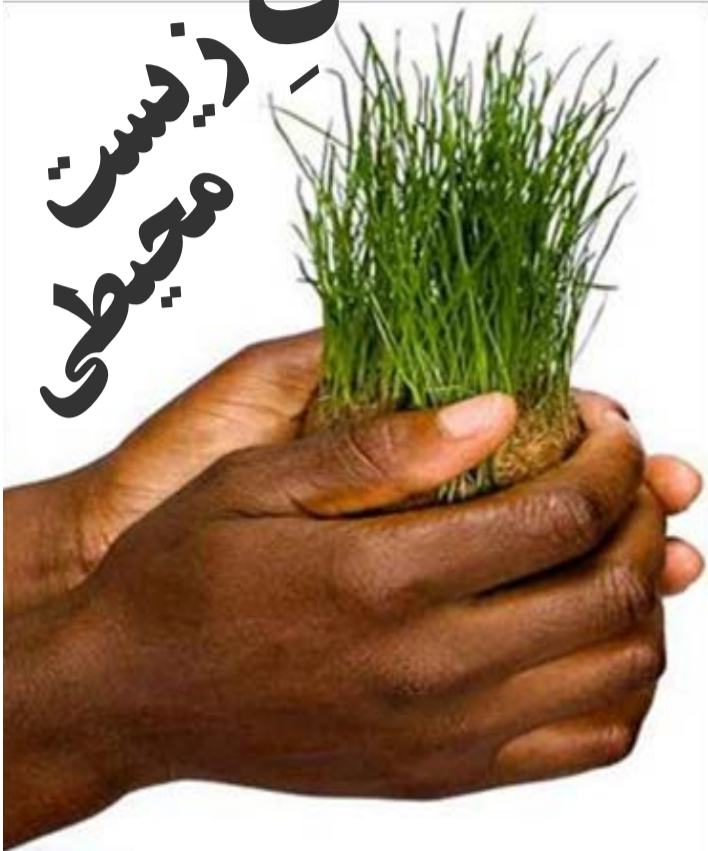
نظامی‌یی می‌کند که از حکومت پشتیبانی کرده تا آن را قادر به اجرای قوانین و مقررات سازد. اما آنچه بر اندیشه ابن خلدون تأثیر گذاشته - با الهام و تأثیرپذیری از وضعیت موجود در آن زمان - این است که از منظر وی، عصبیت همواره از وضعیت بدوی‌گری پدید می‌آید؛ برای این‌که مردم در چنین حالتی تلاش می‌کنند که بر پاک‌ی عناصر و نسب‌های خویش محافظت کرده و برای مقابله با عصبیت‌های دیگر هم‌دیگر را کمک و همکاری کنند. به همین منظور، ابن خلدون فرض را بر این گذاشت که حکومت از حالت بدوی‌گری پدید می‌آید و با مردم خود، سیر صعودی می‌کند تا به مراحل بلند مدنیّت و زنده‌گی مرفه به پیش رود.

این‌که ابن خلدون مفهوم «عصبیت» را عامل اساسی در پدید آمدن حکومت‌ها می‌داند، این به این معنا نیست که وی عامل دینی را در این زمینه به فراموشی سپرده است، بل وی به این باور است که عصبیت حکومت، بر اثر اختلافات و پراکنده‌گی‌ها به ضعف و ناتوانی روی می‌آورد. در چنین صورتی، عامل دینی برای ایجاد الفت و وحدت میان دل‌ها تأثیرگذار خواهد بود و با این عامل می‌توان رقابت‌ها را از بین برد و همکاری میان مردم را قوت بخشید. و عصبیت نیز با عامل یاری‌رسانی که دین بر پیروانش فرض کرده است، محکم‌تر می‌گردد. چنان‌که چنین وضعیتی برای مسلمان صدر اسلام در نبردهای‌شان با رومیان و فارسیان روی داد؛ به گونه‌یی که هیچ یک از دو گروه مزبور، در برابر عرب‌ها تاب مقاومت نیاورده و در برابر آن‌ها شکست خوردند. و این اجتماع و وحدت دینی، نیروی عصبیت آن‌ها را دو چندان کرد و از این‌رو هیچ نیرویی در برابر آنان تاب مقاومت نیاورد.

اما عامل دینی نیز باید بر عصبیت استوار باشد تا دارای شأن و منزلتی شود؛ برای این‌که خداوند هیچ پیامبری را برنمی‌گسخت مگر آن‌که در میان قوم خویش ارجمندی و خویش‌داری داشت و هرگاه این امر برای پیامبران که شایسته‌ترین مردم در خرق عادات‌اند ضرور باشد، برای جز آنان به طریق اولی لازم خواهد بود؛ چه دیگران به جز از طریق عصبیت نمی‌توانند در غلبه و جهان‌گشایی خرق عادت (یا قانون) کنند، و برای این‌که در دعوت دینی به اهداف خود دست یابد، ناچار باید از عصبیت یاری طلبد.

بخش چهارم و پایانی

اخلاق زیست محیطی



علی صارمی

این متفکران بر آن اند که اخلاق باید به فراتر از انسان گسترش یابد و دنیای طبیعی غیربشری را نیز دربرگیرد. گروهی دیگر معتقد اند که این گسترش باید حیوانات دارای حس را شامل شود و گروهی دیگر می‌گویند که این معنا بایستی ارگانسیم‌های منفرد و حتا موجودات کلی مثل رودها و اکوسیستم‌ها را دربرگیرد. در این اخلاقیات، ما ملزم هستیم به محیط زیست احترام بگذاریم؛ زیرا عملاً و از جهات مختلف به موجودات یا جوهر و هستی موجود در محیط زیست بدهکاریم. به هر حال، چه اعتقاد ما بر دلایل و براهین انسان‌مداری یا غیر انسان‌مداری مبتنی باشد، سرانجام به الزامات مختلف اما اغلب با نتیجه‌های مشابه، می‌رسیم. اگرچه اغلب متفکران محیط زیست می‌خواهند برچسب انسان‌مداری را از خود دور کنند، با این وجود در اخلاق زیست‌محیطی این انسان‌مداری به نوعی خود را نشان می‌دهد. برای این‌که مفهوم این مطلب را بهتر دریابیم، کافی است اشاره کنیم که هرگاه ما از محیط زیست صحبت می‌کنیم، در واقع تأثیرات آن بر نوع بشر را در نظر داریم. به عنوان مثال: آلوده‌گی هوا روی سلامت ما اثر می‌گذارد، نابودی منابع طبیعی استانداردهای زنده‌گی ما را پایین می‌آورد، تغییرات آب‌وهوایی خانه و زنده‌گی ما را در خطر قرار می‌دهد، کاهش تنوع زیستی به کاهش بسی چیزها از جمله داروهای قوی و کارآمد منجر می‌شود و نابودی بیابان‌ها بدین معنی است که ما مجموعه‌یی از زیباترین تفرجگاه‌ها و منابع دیدنی و شگفت‌انگیز را از دست می‌دهیم. بنابراین، به ساده‌گی متوجه می‌شویم که اخلاق انسان‌مدارانه‌یی که بشر امروزین دارد، او را ملزم می‌سازد که به محیط زیست به‌خاطر خوشبختی و زنده‌گی بهتر خود احترام بگذارد.

از این‌که بگذریم، نگاهی جدی و عمیق به چه‌گونه‌گی رفتار ما با محیط زیست، پیش از آن‌که بر زنده‌گی امروز انسان تأثیر گذارد، روی زندگی آینده‌گان تأثیر خواهد گذاشت. در واقع، ما میراث‌دار طبیعت و منابعی ارزشمند از نیاکان خود بوده ایم که سده‌ها و هزاره‌ها در آن زیسته و با کمترین صدمه ممکن در سالیان گذشته، به نسل ما و نسل قبل از ما تحویل داده اند و آن‌چه اتفاق افتاده و ضرباتی که بر محیط زیست وارد شده، بیشتر در همین چند نسل اخیر بوده است. این مسأله بسیار مهم نیز مورد توجه گروهی از اندیشمندان محیط زیست قرار گرفته و باعث شده نظریه تازه‌یی را مطرح سازند و آن اخلاق زیست‌محیطی حال نگر و آینده‌نگر است. اما با این وجود، این نگاه نیز انسان‌مدار است با این تفاوت که علاوه بر امروز، نسل‌های فردا را نیز مورد لحاظ قرار می‌دهد. البته در این شیوه نگاه نیز با افکار مخالفی روبه‌رو هستیم؛ بدین معنی که گروهی که معتقد به عمل و عکس‌العمل در وظایف اجتماعی هستند، برآن اند که کار برای نسل‌های آینده نمی‌تواند درست و منطقی باشد؛ چرا که هر کاری باید متقابلاً پاسخ داده شود و نسل‌های گذشته ما نیز برای امروز ما کاری نکرده اند. آن‌ها استنتاج می‌کنند که اگر ما وظایف زیست‌محیطی امروزین و پاسخ به مشکلات کنونی خود را، به کمال و درستی به انجام رسانیم، نتیجه مثبت خود را برای نسل‌های آینده نیز به دنبال خواهد داشت.



اقبال در پاسخ به این پرسش که چه چیزی موجب تقویت خودی یا ذات بشری می‌شود، عوامل زیر را یادآوری می‌کند:

۱. عشق؛ در وصف آن گفته است، روحی است که قادر به تجدید جهان می‌باشد. عشق و محبت، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد:

از محبت چون خودی محکم شود
قوتش فرمانده عالم شود
پنجه او پنجه حق می‌شود
ماه از انگشت او شق می‌شود.

عاشق از کجا نیرو می‌گیرد؟
عاشقی؟ محکم شو از تقلید یار
تا کمند تو شود یزدان شکار.

۲. فقر؛ یعنی بی‌اعتنایی مطلق به پادشاهی که جهان از نوع مادی یا معنوی می‌دهد.

۳. غیرت؛ مقاومت و ایستاده‌گی جسمی و روحی در مواجهه با مشکلات.

۴. تحمل و بردباری؛ همان‌گونه که به خودی خود احترام قابل هستی، خودی دیگران را نیز احترام بگذارید و موضع‌گیری‌های دیگران را با شکیبایی پذیرا شوید.

۵. کسب حلال؛ از دید اقبال، کسب حلال تنها این نیست که ثروت به‌دست آمده از راه‌های مشروع و قانونی باشد، بل فراتر از آن می‌باید از طریق کار و تلاش بوده باشد. از این‌رو ثروت‌های میراثی را نمی‌ستاید.

۶. شرکت در فعالیت‌های اخلاقی.

برخلاف، عناصری که خودی را تضعیف می‌دارند، از نظر اقبال عبارت‌اند از:

۱. ترس؛
۲. گدایی؛ هرنوع موفقیت و کامیابی بدون کار و کوشش؛
۳. برده‌گی؛ قول هر نوع سیطره سیاسی، فرهنگی و اقتصادی؛
۴. غرور نژادی و قومی.

آموزش و پرورش غربی

اقبال در نظام آموزشی جدید، نواقص و کاستی‌های جدی‌یی را می‌بیند و از آن به‌شدت انتقاد می‌کند؛ زیرا به گفته وی، دانشجوی امروز:

می‌شود در علم و فن صاحب‌نظر
از وجود خود نگرده باخبر.

به نظر اقبال، جوانان امروزی از لحاظ معنوی تشنه‌اند و در جام آن‌ها آبی وجود ندارد، چهره‌های نازک و زیبا دارند، اما چشم‌شان از بصیرت، تهی و قلب‌شان از یقین بی‌نصیب است:

از جوانان تشنه‌لب خالی ایام
شسته رو، تاریک جان، روشن دماغ
کم‌نگاه و بی‌یقین و ناامید
چشم‌شان اندر جهان چیزی ندید
ناکسان، منکر خود، مومن به غیر
خشت بند از خاک‌شان معمار دیر
در جوانی نرم و نازک چون حریر
آرزو در سینه او زود میسر.

اقبال می‌گوید: آموزش‌های جدید، عاطفه دینی را از وجود جوانان بیرون آورده و شیفته تمدن غرب کرده است:

مکتب از وی جذبه دین در ربود
از وجودش این قدر دائم که بود
این ز خود بیگانه، این مست فرنگ

نان جو می‌خواهد از دست فرنگ.

او معتقد است که علت ترس و ضعف اخلاقی نسل جدید، تعلیم و تربیت آن‌هاست. آموزش به شیوه غربی، از آن‌ها نسلی ترسو و جیون بار آورده است، چشم‌های‌شان را بی‌شرم و دل‌های آن‌ها را بی‌سوز و گداز کرده است:

این زمان جز سر به زیری هیچ نیست
اندر او جز ضعف پیری هیچ نیست
آن شکوه ربی‌الاعلی کجاست؟
این گناه اوست یا تقصیر ماست؟
عقل‌ها بی‌باک و دل‌ها بی‌گداز
چشم‌ها بی‌شرم و غرق اندر مجاز.

در نقد دانش امروزی گفته است: دانش جدید، عمده‌ترین مانع خداپرستی است؛ نان که نمی‌دهد به هیچ، روان را می‌میراند. او می‌گوید، خود از نزدیک این تجربه را داشته است:

سوز عشق از دانش حاضر مجوی
کیف حق از جام این کافر مجوی
مدتی مجو تک و دو بسوده ام
رازدار دانش نسو بسوده ام
دانش حاضر حجاب اکبر است
بت‌پرست و بت‌فروش و بت‌گر است
سوز و مستی را مجو از تاک‌شان
عصر دیگر نیست در افلاک‌شان.

و یا:

نوا از سینه مرغ چمن برد
ز خون لاله آن سوز کهن برد
به این مکتب به این دانش چه نازی

که نان در کف نداد و جان ز تن برد.

به باور اقبال، آموزش جدید مروج بی‌خدایی و شک‌آفرینی است. این تعلیمات، شجاعت و مردانه‌گی را می‌زداید:

علم حاضر پیش آفل در سجود
شک بیفزود و یقین از دل ربود.

و یا:

تومی‌گویی که من هستم، خدا نیست
جهان آب و گل را انتها نیست
هنوز این راز بر من ناگشود است
که چشم آن‌چه بیند هست یا نیست.

و همان‌طور:

من آن علم و فراست را پر کاهی نمی‌گیرم

که از تیغ و سیر بیگانه سازد مرد غازی را.
نمونه دیگر:

ای مسلمانان فغان از فتنه‌های علم و فن
اهرمن اندر جهان ارزان و یزدان دیرباب.

اخوت اسلامی

در عصری که ملی‌گرایی در همه‌جا زبانه می‌کشد، اقبال اساس ملی‌گرایی بر اساس قوم و جغرافیای سیاسی را به‌شدت رد می‌کند و ندا سر می‌دهد که اساس ملت، عقیده است نه قوم و نژاد:

چیست ملت؟ ای که گویی لا اله!
با هزاران چشم بودن یک نگه
اهل حق را حجت و دعوی یکی است
خیمه‌های ما جدا دل‌ها یکی است.

اقبال، مسلمان را حقیقتی جهانی می‌داند که از مرز وطن

معمارِ خودی



عبدالحفیظ منصور

بخش دوم

گلگشتی در گوشه‌های اندیشه اقبال



که به منظور متفرق ساختن مسلمانان طراحی شده است:

و ملیت

فراتر است:

می‌نگنجد مسلم اندر مرز و بوم
در دل او یاهو گردد شام و روم
قلب ما از هند و روم و شام نیست
مرز و بوم او به‌جز اسلام نیست.

قومیت را اقبال بر پایه دین و عقیده بنا می‌نهد و این نوع را بهتر و والاتر از قومیت بر اساس رنگ و خون می‌داند. او پیوند دینی را، بسی استوارتر از آب‌و‌خاک‌پرستی می‌شمارد:

قوم تو از رنگ و خون بالاتر است
قیمت یک اسودش صد احمر است
اصل ملت در وطن دیدن که چه؟
باد و آب و گل پرستیدن که چه؟
نیست از روم و عرب پیوند ما
نیست پابند نسب پیوند ما.

اقبال ناسیونالیسم را از بلاهای عظیمی می‌خواند که دامن‌گیر مسلمانان شده است. از دید او، همه مسلمانان فارغ از تعلقات قومی و وطنی‌شان، پرورده یک نوبهار اند. دین و عقیده اسلامی، همه آن‌ها را اهل یک چمن و دارای رنگ‌وبوی مشابه کرده است:

از حجاز و چین و ایرانیم ما
شبنم یک صبح خندانیم ما.
و یا:

نه افغانیم و نه ترک و تزاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پرورده یک نوبهاریم.

ناسیونالیسم از دید اقبال، مکر و حيله مغرب‌زمین است،

لرد مغرب آن سراپا مکر و فن
اهل دین را داد تعلیم وطن
او به فکر مرکز و تو در نفاق
بگذر از شام و فلسطین و عراق
تو اگر داری تمیز خوب و زشت
دل نبندی با کلوخ و سنگ و خشت.

کوتاه سخن این‌که: ملی‌گرایی، قطع پیوند برادری و تقسیم انسان به اقوام و قبایل است:

آن‌چنان قطع اخوت کرده اند
بر وطن تعمیر ملت کرده اند
تا وطن را شمع محفل ساختند
نوع انسان را قبایل ساختند.

غرب

اقبال بر غرب خشم پُرشاره دارد؛ هم غرب قدیم را نکوهش می‌دارد و هم غرب جدید را. او در اشعار خویش، افلاطون و ارسطو را به نقد می‌کشد و آن‌گاه که نوبت غرب جدید می‌رسد، تندتر و عصبانی‌تر، کارل مارکس را پیغمبر حق‌ناشناس خوانده و با طعنه‌ی خطاب به وی می‌گوید:

رنگ و بو از تن بگیرد جان پاک
جز به تن کاری ندارد اشتراک
دین آن پیغمبر حق‌ناشناس
بر مساوات شکم دارد اساس.

اقبال که تعلیم‌دیده لندن و مونیخ است، بیش از هر غرب‌دیده دیگر از غرب می‌نالند، فریاد سر می‌دهد؛ زیرا چشم تیزبین او در آن، هم لطافت‌های شیرین و هم حيله‌های خسروپرویز را می‌بیند؛

فریاد ز افرنگ و دل‌آویزی افرنگ
فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ
معمار حرم باز به تعمیر جهان خیز.

فتنه‌های غرب یکی - دو تا نیست؛ غرب مهد مصایب و مشکلات است و بشر آن‌چه تاهنوز از غرب چشیده، اندکی از آن مشکلات است و بقیه هنوز در راه‌اند:

فتنه‌ی را که دوصد فتنه به آغوشش بود
دختری هست که در مهد فرنگ است هنوز
باش تا پرده گشایم ز مقام دگری
چه دهم شرح نواها که به جنگ است هنوز.
اقبال شرقیان را گوشزد می‌دارد که به‌ظاهر غرب فریفته نشوند. آن‌چه در صورت غرب از سرور و شادمانی می‌بینند، در واقع درد و اندوهی بیش نیست:

بیا که ساز فرنگ از نوا برافزاده است
درون سینه او نغمه نیست، فریاد است.

اقبال از ضرورت طرح تازه و اساس جدیدی سخن می‌گوید: آن‌چه در غرب از سازمان‌های جهانی وجود دارد، به باور او، مجمع کفن‌زدانی است که به مقصد تقسیم قبور (قسمت کردن کشورهای مستضعف جهان سوم) برپا داشته‌اند:

نقش نو اندر جهان باید نهاد
از کفن‌زدان چه امیدی گشاد؟
در جینوا چیست غیر از مکر و فن
صید تو آن میش و آن نخچیر من.
و یا:

برفتند تا روش رزم در این بزم کهن

دردمندان جهان طرح نو انداخته اند
من از این بیش ندانم که کفن‌زدی چند

بهر تقسیم قبور انجمنی ساخته اند.
اقبال به کسانی که فریب مظاهر غرب را خورده‌اند و به منظور دسترسی به علم و فن، دست به تقلید از غربیان می‌زنند، توصیه می‌دارد که قوت از ظاهر آرایبی و صورت‌سازی نیست، باید به علم و دانش جنگ زد و آن را کمایی کرد:

شرق را از خود برد تقلید غرب
باید این اقوام را تقید غرب
قوت مغرب نه از چنگ و زباز
نی ز رقص دختران بی‌حجاب
نی ز سحر ساحران لاله‌روست
نی ز عریان ساق و نه از قطع پوست
محکمی او را نه از لادینی است
نی فروغش از خط لاتینی است
قوت افرنگ از علم و فن است

از همین آتش چراغش روشن است.
غرب‌زده‌ها زبان‌کار اند؛ زیرا علم را فرا گرفته و معنویت را که بسی گرمی‌تر از آن است، از کف داده‌اند:

دانش اندوخته‌ی دل ز کف انداخته‌ی

آه از آن نقد گرانمایه که درباخته‌ی.



معترضان در کابل:

از عدم توزیع عادلانه برق و فساد برشنا به ستوه آمده‌ایم



هم‌چنان، سیدناصر موسوی، عضو شبکه نهادهای جامعه مدنی بیان داشت که شرکت برشنا از سوء مدیریت رنج می‌برد و این ناتوانی، وضعیتی را به وجود آورده که مقامات بلندپایه حکومتی، زورمندان و نهادهای حکومتی پول‌های میلیونی صرفیه برق‌شان را نپردازند. آقای موسوی افزود: "شرکت برشنا توانایی آن را ندارد تا پول صرفیه برق را از زورمندان و مقامات بلندپایه حکومتی بستاند، بنا تلاش می‌کنند تا این پول را از مردم عادی و شهروندان با بلندبردن هزینه برق و یا میترخوانی دوماه در دوماه بگیرد." این فعال مدنی از حکومت می‌خواهد تا در به وجود آمدن شفافیت در قسمت استفاده از برق و صرفیه برق، بر شرکت برشنا نظارت کرده و از زورمندان و مقامات بلندپایه حکومتی نیز پول صرفیه برق‌شان را بگیرد. او با ابراز نگرانی از نبود برق کافی در فصل زمستان و عدم توازن در تقسیم برق موجود بیان داشت: در ساحات وزیرنشین و وکیل‌نشین در بیست و چهار ساعت یک الی دو ساعت برق پرچو می‌شود، اما در ساحاتی که شهروندان عادی زنده‌گی می‌کنند، برق تا پنج الی شش ساعت پرچوی دارد. سیدناصر موسوی، اظهار داشت: اگر عدالت است، باید تفاوت میان خانه رئیس‌جمهور و یک شهروند عادی وجود نداشته باشد. رئیس‌جمهور، رئیس اجرایی و کلای پارلمان و سایر مقامات حکومتی باید اصلاحات را از خود آغاز کنند. عین‌الدین بیگ، یکی از اشتراک‌کننده‌گان این گروه می‌گفت: ریاست برق کابل پول صرفیه برق شهروندان را با شفافیت جمع‌آوری نمی‌کند. اطلاعاتی وجود دارد که در ساحات مشخصی از کابل پول صرفیه برق جمع‌آوری نشده و فشار این مصرف بالای عادی بار می‌شود.

حکومت و اعضای پارلمان خم به ابرو نمی‌آورند، چون برق بیست و چهار ساعته دارند. آقای ذکی با بیان این‌که شرکت برشنا تا این دم، مدیریت ضعیفی از خود نشان داده، گفت: نهادهای حکومتی، مقامات بلندپایه، زورمندان و ساحات مشخصی از صرفیه برق ابا می‌ورزند و در مقابل، شرکت برشنا پولی را که از این نشانی‌ها باید به دست آورد، از مردم عادی و بی‌بضاعت می‌گیرد. به باور آقای ذکی: میترخوانی دوماه در دوماه، زمینه افزایش هزینه برق را فراهم می‌آورد. زیرا شرکت برشنا می‌خواهد از این طریق صرفیه برق را بلند برده و در مقابل پول بیشتری به جیب بزند. رئیس جنبش مدنی عدالت اجتماعی با اشاره به این‌که این کار شرکت برشنا خودسرانه و بدون مطابقت با قانون است، اذعان داشت: بسیاری از مسولان شرکت برشنا به موقع با مردم همکاری نمی‌کنند و در ازای کاری که مسولیت‌شان است و از آن طریق معاش به دست می‌آورند، از مردم پول اضافه و غیرقانونی نیز تقاضا می‌کنند.

آقای ستانکزی افزود: نگرانی دیگر ما و شهروندان این است که شرکت برشنا به قصد، در دوماه یکبار میترخوانی می‌کند تا با این ترفند، پول دوچند به جیب‌شان واریز شود. آقای ستانکزی با بیان این‌که میترخوانی شهر کابل معیاری نیستند و نیز برق به صورت متوازن میان شهروندان تقسیم نمی‌گردد، بیان داشت: برای این‌که بتوانی یک لاین برق به منزل‌تان آورده و یا اضافه کنید، باید هزارها روپیه به جیب کارمندان شرکت برشنا بیندازید تا کارتان انجام شود. او با انتقاد از نبود تقسیم اوقات مشخص برای پرچوی برق کابل در بیست و چهار ساعت، گفت: "برای ترمیم و یا جاگزین کردن یک فیوز در میتر، باید پنج صد روپیه به برقی محل‌تان بپردازید. این بی‌عدالتی بزرگی است." از سویی دیگر، احمد ذکی، رئیس جنبش مدنی عدالت اجتماعی در این گروه می‌گفت: اظهار داشت: شرکت برشنا حکومت و اعضای پارلمان را در حالتی قرار داده است که هرکاری که انجام دهند،

روح‌الله بهزاد

شماری از شهروندان و فعالان مدنی می‌گویند، توزیع و اخذ هزینه صرفیه برق از سوی شرکت برشنا و ریاست برق کابل شفافیت وجود ندارد. شهروندان و فعالان مدنی دیروز (جمعه، ۱۷ جدي) در یک گروه می‌گفتند: مقامات بلندپایه حکومتی هم از برق بیشتر برخوردار هستند و هم هزینه آن را نمی‌پردازند. آنان هم‌چنان با بیان این‌که حکومت و شرکت برشنا شهروندان را محکوم به پرداخت پول صرفیه برق زورمندان ساخته است، به حکومت هشدار دادند که اگر در این زمینه توجه جدی نکنند، اعتراض شهروندان برای حکومت گران تمام خواهد شد. احمدشاه ستانکزی، یکی از فعالان جامعه مدنی در این گروه می‌گفت: شهروندان از عدم توزیع عادلانه برق به ستوه آمده‌اند. ما شاهد هستیم که در یک قسمت شهر پرچوی برق دو ساعت است، اما در قسمت دیگر، چهار تا پنج ساعت.

کری:

لاهم افغانستان ډېر چلنجونه سره مخ دی



عمومی قومندان امریکایی جنرال جان نیکلسن او د هغه ټیم د افغانستان له حکومت او د دې هیواد له وسله‌والو ځواکونو سره له نږدې کار کوی او هلته له اوسنی وضعیت راضی دی. بن‌اغلی کوک زیاته کړه: "موږ د افغان امنیتي ځواکونو د پیاوړتیا او په یوازې سر په ج‌گرو کې د هغوی د وړتیاوو د لوړولو برخو کې چې بالاخره په خپله خپل هیواد امن کړای شی، هغه ملاتړ ته په پام سره چې د ناټو له نورو متحدینو سره یې له دوی سره کوو، په اوس وخت کې د دې هیواد د حالاتو په اړه ښه احساس کوو. موږ په دې هیواد کې پرمخت‌گونه وینو." د امریکا د دفاع وزارت ویاند ویل، په دې هیواد کې د امریکا بل جلا ماموریت د تروریزم په وړاندې په مبارزې متمرکز دی او هغه د امریکا لپاره ډېر مهم څه دی چې ورسره د متحدو ایالتونو کورنی امنیت ډاډمن ک‌پړی.

وزارت وایی، په افغانستان کې یې پوځی ماموریت ښه مخ ته ځی او هغه به تر هغو دوام وکړی چې د دې هیواد حکومت او ځواکونه یې وکولای شی په خپله دځان دفاع وکړی. د دفاع وزارت ویاند یې تکرکوک د پنجشنبې په ورځ په واشن گټن کې خبریالانو ته ویل، په افغانستان کې د ناټو د غوڅ ملاتړ ماموریت او امریکایی ځواکونو

او یاما په ۲۰۰۹ میلادی کال د ولسمشر په توگه کار پیل کړ، په افغانستان کې له سل زرو زیات ځواکونه و چې هغه یې شم‌یر لس زرو ته راکم کړ. افغانستان اوس ښه روزل شوی وسله‌وال ځواکونه لری چې د وسله‌والو طالبانو او د نورو سخت درې‌ځو ډلو د گواښ‌ونو په وړاندې په بریالیتوب دریدلی دی. په عین حال کې د امریکا د متحدو ایالتونو د دفاع

د امریکا د بهرنیو چارو وزیر او د پن‌ټاگون ویاند په افغانستان کې د دې هیواد د پوځی او ملکی هڅو ستاینه وکړه او وی یې ویل چې د دغو هڅو په نتیجه کې د افغانستان اوسنی حالات د ډاډ وړ دی. د بهرنیو چارو وزیر جان کری وایی، که څه هم د افغانستان ملی یووالی حکومت د دې هیواد د راتلونکو پرمخت‌گونو هیل ی ژوندی ساتلی خو د دې هیواد په مخ کې ډېر چلنجونه پراته دی. جان کری چې د پنجشنبې په ورځ یې په واشن گټن کې په وروستی خبری غونډه کې خبری کولې وویل: "موږ په افغانستان کې د ملی یووالی د حکومت په جوړولو کې حیاتی رول ولوباوه. دغه حکومت که څه هم له ډېرو چلنجونو سره مخامخ دی خو په دې اړه چې په راتلونکې کې دا هیواد پرمخت‌گونه وکړی دغه هیل ی او فرصتونه یې ژوندی ساتلی دی." بن‌اغلی کری شاوخوا دوه نیم کاله مخکې د افغانستان د ملی یووالی د حکومت په رامنځ‌ته کولو کې مهم رول لوبولی او په یوې سیاسی موافقې سره یې د دې حکومت دواړه مشران ولسمشر اشرف غنی او اجرائیه رئیس عبدالله چې د ولسمشری د لانجمنو انتخاباتو په نتیجه کې یې ډېرې رایې گټلې وې، سره یوځای کړل. کری ویل، موږ ټول په دې پوه یو چې چې کله انتخابات له جدی ستونزو سره مخامخ شول، د دې خطر یې زیات کړی و چې حکومت سره وپاشل شی او ان دا هیواد په کورنۍ ج‌گړه کې ښ‌کیل شی، موږ من‌ځگړیتوب وکړ او ټول لوری مو د ملی یووالی په حکومت کې سره راټول کړل، هغه حکومت چې په افغانستان کې تر اوسه فعال دی او کارونه مخ ته وړی. د امریکا بهرنیو چارو وزیر زیاته کړه، کله چې بارک

فیسبوک نامه

کامبخش نیکویی



تقلیل دادن امر سیاسی به امر قومی و پاره‌های قومی، ما را یک گام به طرف فراموشی کار سیاسی پیش می‌برد. هرچه هویت‌ها و پاره‌های قومی و مافیایی قومی بر دهل تفکر قوم‌گرایی بکوبند و خواست‌ها و منافع سیاسی‌شان را در عشیبه و بنیاد قوم و نژاد جست‌وجو کنند، به همان اندازه ما به طرف ویرانی و سرافکنده‌گی پیش می‌رویم.

بنیاد ستم و تبهکاری در کشور، در چنین ساختارها و نظام‌های که بر توافق هویت قومی و نژادی و قبیله‌یی شکل گرفته، ریخته شده است. چنان که حاکمیت قبیله‌یی احمدشاه ابدالی بر همین موازین، یعنی توافق قبایل بر سر حاکمیت و امتیازدهی بر قبایل حاشیه قدرت، بنیادگذاری و ادامه حیات داد که چه پیامدهای خونین و ننگینی را بر ما به میراث گذاشت که هرچه می‌کشیم، از همین میراث سستی می‌کشیم!

بنابر این، هرچه ما امر سیاسی و به‌سازی سیاسی و فرایند نظام‌سازی را در بدنه هویت و پاره‌های فلان قوم و رشد مافیایی فلان قومی، بنیاد بگذاریم و برای این امر هزینه کنیم؛ راه همان است که رفته و رفته‌ایم. لذا لازمه گذار و توسعه سیاسی در شرایط کنونی این است که دستگاه مدیریت سیاسی را بر پایه موازین دموکراسی و مشارکت سیاسی شهروندان در قدرت، به دور از تعلقات قومی، زبانی، مذهبی و... اصلاح‌سازی کنیم و خواست‌ها و منافع‌مان را بر پایه حق شهروندی که حق دموکراتیک یک شهروند بر پایه عدالت اجتماعی و عدالت ملی در نظر گرفته شده باشد، در قوانین کلی مملکت تصویب و برای اجرایی این حق، دست به کار شویم. الا امتیازخواهی فرافرونی، چه قومی و چه گروهی، بنیاد ستم و ناروایی و تبهکاری را مستحکم‌تر از گذشته خواهد ساخت و مافیایی قومی و دزدهای قومی در هر سطحی که باشند، برای حفظ خود و جایگاه خود، شعارهای ویران‌گر و تبه‌کننده‌یی را مطرح می‌کنند که مجال نفس کشیدن برای گذار نیست و همه مشغول نبرد و هزینه مصرف کردن به فلان مافیا و فلان جنایت‌کار جانی هستند که این روند را امروزه به روشنی تجربه کرده و می‌بینیم که به کجا روانیم!

پرتو نادری



من هیچ‌گونه مکلفیتی ندارم، آن‌گونه بیندیشم که این بانو یا آن آقا می‌اندیشد. آنان نیز مکلفیتی ندارند، آن‌گونه بیندیشد که من می‌اندیشم! به شمار همه انسان‌های جهان، رنگارنگی اندیشه، حس و عاطفه وجود دارد. اندیشه یک واژه است؛ اما هزاران هزار جلوه در مفهوم خود دارد. عشق یک مفهوم عام است؛ اما همین مفهوم عام در نزد هر عاشقی مفهوم خاص خود را پیدا می‌کند! آنانی که می‌اندیشند، گویا همه حقیقت جهان در اندیشه آنان و آیین آنان و در فرهنگ آنان تجلی یافته، اندیشه، آیین و فرهنگ آنان برگزیده جهان است؛ اندیشه‌ها و فرهنگ‌های دیگر را باید بر بنیاد اندیشه و فرهنگ آنان سنجیده شود، چنین کسانی یا خرد بیمار دارند، یا هم خرد خود را در یکی از مغاره‌های تاریخ فراموش کرده‌اند. ما رمه گوسفندان نیستیم، که یکی به سوی رفت، ما همه‌گان به آن سوی رویم.

برای آن‌که رمه گوسفندان اختلاف اندیشه ندارند. همان‌گونه که در گورستان‌ها نیز اختلاف اندیشه وجود ندارد. می‌شود گفت آنانی که می‌خواهند جامعه را از گوناگونی اندیشه و فرهنگ باز دارند، در حقیقت از جامعه گورستانی می‌سازند. شکوه جامعه انسانی در گوناگون‌گونی اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و آیین‌های آن است. شکوه‌مندتر این‌که جامعه انسان‌مدار این‌همه گوناگونی اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها را می‌پذیرد و بر می‌تابد.

امر الله صالح



در گذشته به بهانه حرمت و احترام به قرآن کریم، آن را در هفت پوش تکه‌یی پنهان می‌کردند و بالای تاق بلند می‌گذاشتند و از دور به طرف آن اشارت می‌کردند. به همین دلیل بسیاری‌ها از متن و مغز قرآن تا امروز بی‌خبراند. حالا حالت را چنان آورده‌اند که گویی قانون اساسی کدام متن سخت، بلند و کلاسیک است. نخیر. قانون اساسی بسیار ساده و عام‌فهم نوشته شده است. این کتاب کوچک را باید در اختیار شاگردان مکتب تا وزرای کابینه، رایگان قرار دهید تا بدانند که این قانون حق نام‌ی‌شان است.

از قانون اساسی نترسید. آن را بخوانید. در صفحات‌اش یادداشت‌های شخصی‌تان را بنویسید و خودتان را با آن آشنا سازید. کوتاه‌ترین، ساده‌ترین و عام‌فهم‌ترین قانون اساسی دنیا، همین قانون ما است. وقتی این قانون کوتاه و ساده را تطبیق کرده نمی‌توانیم، وای به حال ما اگر مانند کشورهای دیگر، قانون اساسی ما سه هزار صفحه می‌داشت.

کشور

جهان‌نا

وزیر دفاع ترکیه:

امریکا اشتباهات استراتژیک انجام می‌دهد

وزیر دفاع ترکیه با بیان این‌که همکاری امریکا با یگان‌ها مدافع خلق سوریه (کردهای سوریه) اشتباه استراتژیک است، گفت: تاوان این اقدامات را هم ما و هم خود امریکا می‌پردازد. فیکری ایشیک، وزیر دفاع ترکیه اعلام کرد: در حال حاضر منطقه در حال شکل‌گیری دوباره است. برای خنثی کردن نقش ترکیه در منطقه، عملیات تروریستی را به صورت سیستماتیک در کشور افزایش داده‌اند. بعد از اشغال عراق، پ.ک.ک گسترش یافت. یک‌بار پ.ک.ک و بار دیگر داعش در ترکیه عملیات تروریستی انجام می‌دهند، مثل این‌که در صف نوبت قرار دارند! او ادامه داد: وظیفه ما این است که در راستای دفع این تهدیدات اتحاد و یک‌پارچه‌گی مان را حفظ کنیم.

وزیر دفاع ترکیه در ادامه با اشاره به حمله مسلحانه اخیر به یک کلوب شبانه در استانبول گفت: یک عملیات تروریستی سازماندهی شده انجام گرفت، این احتمال وجود دارد که در پشت این تروریست کاملاً خون‌سرد، قدرت‌های دیگری حضور داشته باشند.

ایشیک با اشاره به این‌که امریکا در مبارزه با داعش، یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه را به عنوان متحد خود انتخاب کرد، افزود: این گروه وابسته به پ.ک.ک است. این مسأله را به آنان اعلام کردیم. همکاری با یک گروه تروریستی به معنای وارد شدن در یک باتلاق است. امریکا اشتباه استراتژیک می‌کند، اما هم ما و هم امریکا تاوان آن را می‌پردازیم. سلاح‌هایی که برای مبارزه با داعش داده می‌شود، اکنون در دستان داعش قرار دارد.

او درباره پایگاه هوای اینجریلیک نیز گفت: اظهارات اخیر به معنای بسته شدن این پایگاه در صبح روز بعد نیست. اما پایگاه هوای اینجریلیک، متعلق به ناتو نیست، نیروهای خارجی با مجوز ترکیه در آن‌جا قرار دارند. در حال حاضر مذاکرات در این باره ادامه دارد، ما از امریکا و دیگر طرف‌های مقابل انتظار درک متقابل داریم. ما در این باره عزم راسخ داریم و مذاکرات را تا نتیجه نهایی پیش خواهیم برد.

وزیر دفاع ترکیه درباره وضعیت امریکا در عراق گفت: بعد از سقوط صدام حسین، در عراق چالش‌هایی به وجود آمده است. این مسأله نه تنها در ترکیه، بلکه در خود امریکا نیز زیرسؤال قرار گرفته است. امیدواریم دولت جدید امریکا، در سوریه به درستی رفتار کند.

امریکا پسر بن‌لادن را در فهرست سیاه تروریستی قرار داد

امریکا، حمزه بن‌لادن، پسر رهبر کشته شده القاعده و جانشین احتمالی او در این گروه را در فهرست تروریستی خود قرار داد. وزارت خارجه امریکا نام حمزه بن‌لادن را در فهرست "تروریست‌های ویژه جهانی" قرار داد و تمام اموال او را که در نواحی تحت نظارت حوزه قضایی امریکا قرار دارد، مسدود کرد.

وزارت خارجه امریکا، علاوه بر حمزه بن‌لادن، "ابراهیم البنا" یکی از رهبران ارشد القاعده یمن را نیز در فهرست سیاه خود قرار داد. شهروندان و شرکت‌های امریکایی براساس این قانون، از انجام هرگونه تجارت و معامله با تروریست‌های تعیین شده منع شدند و دیگر دستگاه‌های قانونی در سراسر جهان نسبت به وضعیت آنان به حالت هشدار در آمدند.

استادی که نیروهای امریکایی در مخفیگاه اسامه بن‌لادن کشف کرده بودند، نشان می‌دهد که حمزه بن‌لادن برای ساخت و استفاده از مواد منفجره، آموزش دیده و از همان بچه‌گی به عضویت در گروه‌های تروریستی تمایل داشته است.

تحلیل‌گران دستگاه اطلاعاتی امریکا با توجه به این اسناد می‌گویند که اسامه بن‌لادن فرزند خود را برای جانشینی و رهبری القاعده آماده کرده است.

اطلاعات زیادی از حمزه بن‌لادن که در سال ۱۹۸۹ متولد شده، در دست نیست؛ جز اینکه او در سال ۲۰۰۵ جزو نیروهای طالبان بود که سربازان پاکستانی را در وزیرستان جنوبی هدف قرار دادند.

در سال ۲۰۰۷ مشخص شد که او در منطقه مرکزی بین پاکستان و افغانستان مستقر و جزو یکی از رهبران القاعده است.

چند ماه پیش حمزه بن‌لادن در یک پیام صوتی حاوی یک سخنرانی ۲۱ دقیقه‌یی تحت عنوان "همه ما اسامه (بن‌لادن) هستیم" وعده داده، مبارزه جهانی این گروه شبه‌نظامی را علیه امریکا و همپیمانانش ادامه خواهد داد.

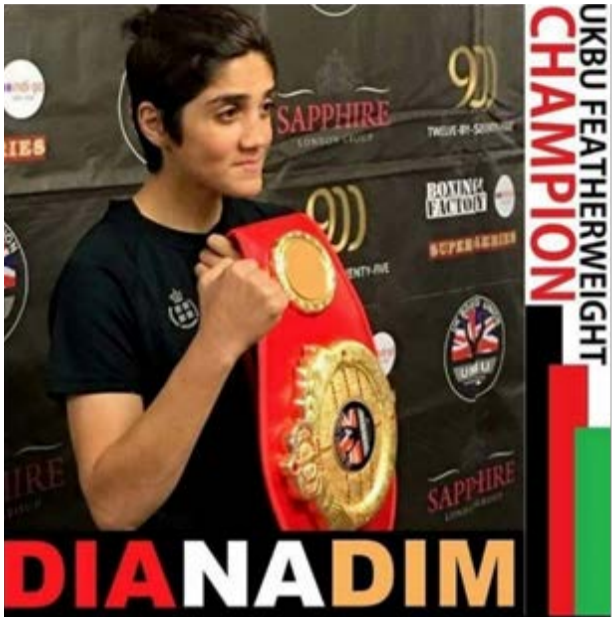
حمزه بن‌لادن در این سخنرانی تهدید کرد: ما به حمله به شما و هدف قراردادن شما چه در کشورتان و چه در خارج از آن، در پاسخ به سرکوب مردم فلسطین، افغانستان، سوریه، عراق، یمن، سومالی و مابقی کشورهای مسلمانی که از سرکوب شما در امان نمانده‌اند، ادامه خواهیم داد.

او در ادامه این پیام صوتی خود گفت: در مورد گرفتن انتقام خون اسامه بن‌لادن از سوی امت اسلام باید گفت که این انتقام برای شخص اسامه نیست، بلکه انتقام خون کسانی است که از اسلام دفاع کردند.



دیانا ندیم به کمیته ملی المپیک:

نسبت به ورزشکاران تان بی توجه نباشید



تنکیالی عثمانی

دیانا ندیم، بانوی افغانستانی بی‌ست که نا به سامانی‌های داخلی در کشور، او را مجبور به ترک افغانستان کرده و به کشور دنمارک پناهنده می‌سازد. دیانا بعد از این‌که اقامت این کشور را به دست می‌آورد، تلاش می‌کند تا هویتش را برای شهروندان دنمارک و سایر جهانیان به معرفی بگیرد. او ورزش را یگانه راه برای معرفی چهره اصلی افغانستان انتخاب می‌کند و در این زمینه در پی افتخارآفرینی می‌شود. خبرنگار روزنامه ماندگار مصاحبه‌یی را با این بانوی افتخارآفرین انجام داده است که تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

بانو دیانا، لطف کرده در باره دستاوردهای ورزشی تان برای ما و علاقه‌مندان روزنامه ماندگار معلومات ارایه کنید؟

من از نوجوانی شوق و علاقه ورزش کردن را داشتم، به همین دلیل، زمانی‌که به کشور دنمارک پناهنده شدیم، در یکی از باشگاه‌های این کشور به تمرین مشت‌زنی پرداختیم. دیری نگذشته بود که مریم - آنگونه که خودش می‌گوید- متوجه استعداد و علاقه‌ام به ورزش شد، با این وجود، تمریناتم را ادامه داده و در نهایت به مسابقات راه یافتیم. بعد از چند مسابقه، راه پیدا کردم به تیم ملی دنمارک. در نخستین دوره مسابقات سرمسری دنمارک در سال ۲۰۰۷ مقام قهرمانی را در سطح این کشور از آن خود ساختیم که هفت دوره تمام این قهرمانی را حفظ کردم.

در پهلوی این افتخار، سه‌بار قهرمان کشورهای اسکند ناوی و یک‌بار قهرمان «بهترین بانوی مشت‌زنی پروفیشنل افغانستان» در اروپا شناخته شدم. سه مرتبه بهترین مشت‌زن دنمارک نیز در تورنمنت‌های مختلف شناخته شدم و در آخرین مسابقه پروفیشنل مشت‌زنی در سال ۲۰۱۶ در انگلستان هم توانستم کمر بند قهرمانی‌این مسابقات را به کمر ببندم.

در کل، ۸۹ مسابقه انجام داده‌ام که از این میان، هفده مدال طلا در بازی‌های باشگاهی، تورنمنت‌ها، مسابقات محلی و ارگان‌های مختلف، ۱۰ کپ قهرمانی و ۲۰ مدال نقره و برنز دست آورده‌ایم است که از این مسابقات کسب کرده‌ام.

راز موفقیت یک ورزشکار را در چه می‌بینید؟

یک ورزشکار در قدم نخست باید اراده قوی داشته و در برابر مشکلات تسلیم نشود. ورزشکار سعی می‌کند تا برای مشکلات خود راه‌حل منطقی پیدا کرده و هیچ‌گاه احساس ضعف و ناتوانی نکند. ورزشکار خوب همیشه مثبت می‌اندیشد و به دنبال هدف تعیین کرده خود می‌رود.

نقش ورزش را در روند تکامل جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ورزش انسانان را به یک‌دیگر نزدیک می‌کند، هیچ انسانی با قطع پیوندها و روابط دوستانه و گوشه‌گیری، احساس آرامش نمی‌کند. بدون ارتباط با دیگران استعداد‌های انسان شگوفان نمی‌شود، ورزش یگانه راهی است که انسانان را با هم‌دیگرشان ربط داده، به یک خانواده تبدیل می‌کند. ورزش سبب هم‌دلی و یک‌پارچه‌گی در اجتماع می‌شود.

پیام‌تان برای جوانان افغانستان چیست؟

قبل از پیام فکر می‌کنم ذکر این نکته ضروری است که مسئولان کمیته ملی المپیک افغانستان تاکنون از من به عنوان یک ورزشکار افغانستانی که همواره از آدرس کشورم به میدان مسابقات رفته‌ام، یادآوری و حمایت نکرده‌اند! امیدوارم این بی‌توجهی شامل حال دیگر ورزشکاران کشور نگردد.

هم‌چنان از جوانان افغانستان می‌خواهم تا هدف زنده‌گی‌شان را تعیین کنند، زیرا، آینده برنامه‌ریزی شده، انسان را به تحرک وادار می‌دارد. اراده قوی و مثبت‌اندیشی دو شاخصه انسانان موفق است که امیدوارم به این شاخصه توجه شود.

Mandegar

مدیریت آب‌های مرزی؛

ضرورت امروز و فردای افغانستان

فراموشی‌شان استفاده سالم نمایند، به این شرط که به کشورهای دیگر آسیب نرسد. یعنی کشورهای ذی‌نفع می‌توانند با ایجاد یک راهبرد مناسب، آب را به گونه‌ی تقسیم کنند که هیچ‌کدام‌شان متضرر نگردند. با این حساب، هر کشور حق دارد به پیمان‌هایی مشخص از این آب‌ها استفاده کند.

از آن‌جا که حکومت‌های افغانستان همواره دچار کشمکش و بحران بوده، هیچ‌گاه به آب‌های موجود در کشور، طبق حقوق و مقررات بین‌المللی نیندیشیده و

جامعه جهانی، حد اقل توانسته است کارهایی را روی بندهای مهم کشور آغاز کند. چالش اصلی، وابسته‌گی بیش از حد مردم و دولت افغانستان به کشورهای همسایه و شریک در آب‌های افغانستان است. این کشورها، در کنار نگاه‌های عقدمندان به آبادی افغانستان، با دخالت‌های‌شان فرصت نمی‌دهند که از این نعمت الهی در کشور ما استفاده درست به عمل آید.

شماری از سیاسیون، نهادها و افراد به این باوراند: کشورهای دیگری که از

عاصم اسفزاری

کشور ما که در جغرافیای بحرانی و در دل کشمکش‌های منطقه‌ی شکل گرفته، همواره دامنه جدال‌های جهانی و منطقه، بر داشته‌های سایه افکنده است. برای همین تا کنون توانسته جایگاه درخور خود را نزد کشورهای دیگر پیدا کند. اما این بدان معنا نیست که ما نمی‌توانیم از این درمانده‌گی نجات یابیم و در مسیر درست و همانند به کشورهای اطراف‌مان حرکت کنیم.

افغانستان با همه تنگ‌مایه‌گی‌هایش، فرصت‌ها و منابع خوبی برای توسعه، پیشرفت و بلندپروایی‌هایش در منطقه و جهان دارد. یکی از این منابع، آب‌های خدادادی این سرزمین است که از دل کوه‌های بلند، بر رودهایش فرود می‌آید تا بر سرسبزی و سربلندی سرزمین و مردم آن بیفزاید.

آب‌های افغانستان نه تنها برای شهروندانش حیات‌بخش است که کشورهای دور و بر را نیز زنده‌گی می‌بخشد. ایران و پاکستان دو کشوری‌اند که بیشتر از ۶۰ درصد آب‌های افغانستان به خاک آن‌ها سرازیر می‌شود تا مناطقی از این کشورها را سرسبز سازد. اما آن‌چه سوال است این‌که: در شرایط کنونی، ما چقدر می‌توانیم از آب‌های کشورمان برای کشاورزی و تولید انرژی استفاده کنیم؟ مدیریت آب‌های افغانستان چه تأثیری بر اوضاع کشور و منطقه می‌گذارد؟ چه موانعی باعث شده که تا کنون نتوانیم از این سرمایه به گونه درست استفاده کنیم؟

با تشکیل حکومت وحدت ملی و ایجاد یک تیم متخصص برای طرح راهبردی منظم برای مدیریت و استفاده درست از آب‌های کشور، تلاش‌ها برای تکمیل و ایجاد بندهای آب‌گردان و ارایه راه‌کارهای درست، برای مدیریت آن‌ها آغاز شد. هر چند نخستین جرعه‌های این روند برمی‌گردد به ایجاد حکومت نوین افغانستان و تیم‌های قبلی که با آغاز یک سلسله کارها، زمینه‌های خوبی را به گروه‌های پس از خود مساعد کردند؛ اما چالش‌های موجود در این بخش، چه پیش از حکومت وحدت ملی و چه پس از آن، همواره باعث کندی کار شده است.

چالش‌ها

از یک سو ضرورت‌های جدی در کشور و نیاز به استفاده از منابع آبی و از سوی دیگر، نبود امکانات کافی برای ایجاد بندهای بزرگ آب‌گردان، باعث شده است که دولت افغانستان نتواند آن‌گونه که باید به این موضوع پردازد. اما این تنها مشکلی نیست که باعث کم‌کاری در این زمینه شده است. افغانستان با کمک‌های

دو هلیکوپتر نیروهای آلمانی هدف گلوله قرار گرفتند



دو هلیکوپتر نیروهای آلمانی در شمال افغانستان هدف گلوله باری شورشیان قرار گرفتند. اردوی آلمان روز پنجشنبه خبر داد که در این واقعه کسی آسیب ندیده است. اردوی آلمان روز پنجشنبه خبر داد که دو هلیکوپتر ترانسپورتهی مدل "CH-۵۳" که روز چهارشنبه از کندز به مزار شریف پرواز می‌کردند، هدف گلوله باری قرار گرفتند. این دو هلیکوپتر توانستند به کمپ نیروهای آلمانی در مزارشریف برسند. بیشتر نیروهای آلمان مستقر در افغانستان در این کمپ حضور دارند. به دلیل اندازه سوراخ‌های ناشی از گلوله‌ها، نیروهای آلمانی دست به عمل متقابل نزدند.

سخنگوی ماموریت نیروهای آلمانی در افغانستان گفت: «من پیش از این چنین گلوله باری بر هلیکوپترهای آلمانی را ندیده‌ام». چنین حملاتی بسیار نادر و غیر قابل پیشگیری هستند. شورشیان طالبان دیگر قادر نیستند تا در سطح کلان با نیروهای امنیتی افغانستان مقابله کنند. این سخنگو همچنان افزود: «کاری که آنان (طالبان) می‌توانند انجام دهند این است که هر لحظه و در هر جایی که بتوانند ترس و نگرانی ایجاد کنند».

افغانستان بیش از هر جایی، از تروریسم طالبانی متاثر است. پس از پایان ماموریت نظامی ناتو در افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴، نیروهای آلمانی زیر برنامه "حمایت قاطع" در این کشور حضور دارند. در ماموریت "حمایت قاطع" نیروهای بین‌المللی به آموزش و مشورت‌دهی نیروهای امنیتی افغانستان می‌پردازند. در ماه نومبر سال گذشته میلادی، شورشیان قنسلگری آلمان در مزارشریف را هدف قرار دادند.

معترضان:

والی میدان وردک کنار برود



شماری از فعالان مدنی و مردم میدان وردک، والی این ولایت را به بی‌کفایتی و ضعف مدیریت متهم می‌کنند و از حکومت می‌خواهند که هرچه زودتر او را برطرف کند.

این معترضان دست‌داشتن افراد حکومتی به فساد، نبود مکتب و مراکز بهداشتی و بی‌توجهی مسؤولان امنیتی در شاهراه‌های این ولایت را از جمله مشکلات عمده خود عنوان می‌کنند و می‌گویند، مسؤولان حکومتی در میدان وردک به طالبان شناسنامه توزیع می‌کنند.

نصرت رحیمی، نماینده این معترضان می‌گوید: «نه تنها والی بلکه افراد نزدیک به او هم مفسد‌اند و باید هرچه زودتر میدان وردک از وجود این افراد پاک شود».

اما عبدالرحمن منگل، سخنگوی زری گل زمانی، والی میدان وردک این ادعاها را رد می‌کند و از معترضان خواهان اسناد و مدارک در این رابطه است.

میدان وردک یکی از ولایت‌های مرزی و مهم کشور است که نامی در آن تأثیر منفی بی‌بر دیگر ولایت‌های مرکزی دارد.



همواره این آب‌ها بدون هیچ محدودیتی به کشورهای دیگر سرازیر شده است. حتا شماری از این کشورها در صدد آن اند که جلو استفاده سالم و قانونی ما را از آب‌های مان بگیرند.

با توجه به این‌که بحث محدودیت و کاهش آب، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های جهان در آینده نزدیک است و کشور ما نیز شدید به توسعه در بخش‌های زراعت و تولید انرژی نیاز دارد، می‌سزد که مقامات افغانستان نگاهی تازه و

استراتژیک نسبت به آب‌های افغانستان برای خود تعریف کنند و بر اساس آن، از این ماده حیاتی جهت بهبود امروز و فردای افغانستان بهره بگیرند.

آب‌های افغانستان استفاده می‌کنند، فقط به منافع خود می‌اندیشند؛ بنابراین، نباید دیگر به آن‌ها اجازه استفاده از آب‌های مان را داد.

شماری دیگر نیز به تأکید می‌گویند: طبق قوانین بین‌المللی، نباید باعث کاهش آب‌های رودخانه‌ی بی به کشورهای دیگر گردیم؛ زیرا با این کار، کشورهای شریک در رودخانه‌ها متضرر می‌شوند.

اما حقیقت این است که هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها سالم نیست و با در نظر داشت آرا و دیدگاه‌های بین‌المللی حاکم بر رودخانه‌های فرامرزی، کشورها می‌توانند از آب‌های